



ارتش جمهوری اسلامی ایران
سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

اولین امیر، اولین ترور

بازگای در زندگی و شهادت سپهبد محمدولی قرنی

تألیف: یعقوب توکلی

با همکاری خانم هاجر کمالی

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
مقدمه.....	۳۳
نظامی بودن قرنی.....	۳۶
اطلاعانی بودن.....	۳۶
اقدام به کودتا علیه سلطنت.....	۳۹
تبلیغات گسترده گروه‌های ضد انقلاب.....	۳۹
تلاش شهادت دیگر شهیدان.....	۴۱
چرایی این تحقیق.....	۴۳
نگاهی به زندگی قرنی.....	۴۹
قرنی و کوتای ۲۸ مرداد.....	۵۴
جریان‌های سیاسی شکل گرفته در ارتش ایران در بعد از شهریور ۱۳۲۰.....	۵۷
تأملی درباره حضور قرنی در کودتای ۲۸ مرداد.....	۷۲
موضوع اعطاء درجه سرتیپی.....	۷۳
لیست افسران حاضر در کودتا.....	۷۵
اسناد باقیمانده از پرونده قرنی.....	۷۷
پاداش‌های مالی پس از کودتای ۲۸ مرداد.....	۷۸
نتیجه‌گیری.....	۸۸
ریاست اداره دوم و تغییر دیدگاه سیاسی.....	۹۰
ساواک و نیروهای همراه قرنی.....	۱۰۱
گزارش محکومیت.....	۱۰۷
سال‌های تحت نظر.....	۱۱۰

- ۱۱۱..... دادگاه تجدید نظر و تشدید مجازات دادگاه بدوی
- ۱۱۳..... قرضی عذرخواهی نکرد
- ۱۱۶..... نفوذ در خانه قرضی
- ۱۱۶..... کودتاگر پیر
- ۱۱۸..... ملی گرایان و قرضی
- ۱۱۹..... مراقبت‌های ویژه
- ۱۲۲..... آغاز نهضت امام خمینی (ره) و دور جدید مبارزات قرضی
- ۱۲۳..... ارتباط سوشلست قرضی با حجت الاسلام حاج آقا مصطفی خمینی
- ۱۲۵..... حمله به منزل قرضی
- ۱۲۷..... بازداشت قرضی
- ۱۲۸..... بازجویی پس از دستگیری
- ۱۴۹..... گزارش جلال‌الدین فارسی
- ۱۵۶..... گزارش بازداشت متهمین قرضی، جزایری، خباز باشی
- ۱۵۸..... محکومیت مجدد
- ۱۵۹..... درخواست انتقال به زندان شهربانی
- ۱۶۳..... رأی دادگاه تجدید نظر
- ۱۶۵..... انتقال به زندان شهربانی
- ۱۶۵..... درخواست‌های مکرر برای انتقال قرضی
- ۱۶۶..... درخواست مجدد انتقال قرضی
- ۱۶۷..... همه چیز بررسی شود
- ۱۶۸..... ثمره ارتباط با قرضی
- ۱۶۹..... محکوم پاسخ مقتضی نداد

- ۱۷۱..... آزادی با خاتمه یافتن محکومیت
- ۱۷۲..... همه اقدامات برای اقرار گرفتن
- ۱۷۵..... از حبس به حصر
- ۱۷۶..... ساواک تهران خسته می‌شود
- ۱۷۷..... چرا قری به خانه‌اش نمی‌آید؟
- ۱۷۷..... قری یک لشکر بسیج کرده است
- ۱۸۰..... توطئه افسران ارشد علیه قری
- ۱۸۱..... قری با طرقداران حمینی^(ره) در تماس است نه با ناصریست‌ها
- ۱۸۲..... قری با توده‌ای‌ها رابطه ندارد
- ۱۸۵..... شنودها ادامه دارد
- ۱۸۵..... مراقبت در مازندران
- ۱۸۷..... تمام سوابق را بدهید
- ۱۸۸..... پست مراقبت برای تماس تلفنی
- ۱۸۹..... اطلاعیه تشکیل حکومت موقت
- ۱۹۰..... قری و خسرو قشقایی
- ۱۹۱..... قری باز هم نه گفت
- ۱۹۲..... ارتباط قری با علما و روحانیون
- ۱۹۶..... نظامیان و ساواکی‌های ناراضی
- ۱۹۸..... نام قری در لیست فراماسون‌هانیست
- ۱۹۹..... عدم همکاری قری با خسرو قشقایی
- ۲۰۱..... مرگ خاله قری و نظارت ساواک
- ۲۰۲..... نامه‌ها کنترل می‌شود

- ۲۰۳..... همه جا تحت شنود
- ۲۰۵..... ملاقات با نماینده مجلس
- ۲۰۶..... قرنی و نیروهای سیاسی مذهبی
- ۲۰۷..... کنترل دو روزه
- ۲۰۸..... تماس قرنی و فروهر
- ۲۰۹..... تهدید قرنی به سرنوشت آرامش
- ۲۱۱..... ملاقات‌های مشکوک
- ۲۱۲..... دستورالعمل از روی وحشت
- ۲۱۴..... قرنی بیانیه دریافت کرد
- ۲۱۵..... سرلشکر قرنی و سرریپ مسعودی
- ۲۱۶..... قرنی و حکومت اسلامی
- ۲۱۷..... فوت برادر و تجمع سیاسیون
- ۲۱۹..... تطمیع و تحریب
- ۲۲۲..... ترس از قرنی در روزهای اوج انقلاب
- ۲۲۴..... در محرم مواظب قرنی و روحانیون باشید
- ۲۲۷..... پیروزی انقلاب و فرماندهی ستاد کل ارتش انقلاب اسلامی
- ۲۲۹..... قرنی در ستاد مشترک ارتش
- ۲۳۴..... انتصاب فرمانده نیروی هوایی
- ۲۳۵..... انحلال لشکر گارد جاویدان و شاهنشاهی
- ۲۳۶..... انحلال اداره دادرسی ارتش
- ۲۳۷..... کاهش دوره‌های آموزشی و خدمت سربازی
- ۲۳۷..... درخواست انحلال ارتش توسط نظامیان

اولین میراث

- فرمان امام خمینی (ره) برای حضور نیروها..... ۲۴۱
- برکناری و انتصاب جمعی از امرأه ارتش..... ۲۴۳
- با فرماندهان ارتش همکاری کنید..... ۲۴۴
- اعلام عفو غیبت افسران و سربازان..... ۲۴۶
- ضرورت تشکیل ارتش ملی اسلامی..... ۲۴۷
- اگر بختیار زودتر رفته بود..... ۲۴۹
- فرمانده ارتش نوکر مستشاران خارجی بود..... ۲۵۰
- تکلیف سلاحها..... ۲۵۰
- احیاء بیمارستانها و بازگشت بیت المال..... ۲۵۱
- حذف گماشتگی و تبعیض در ارتش..... ۲۵۳
- عدم اجازه به آمریکا در بهره برداری نظامی از ایران..... ۲۵۴
- عدم خروج تجهیزات مدرن..... ۲۵۶
- بازگشت نیروهای ایران از ظفار عمان..... ۲۵۶
- تصفیه و انتصاب..... ۲۵۷
- رسیدگی به شکایات افسران اخراجی زمان شاه..... ۲۵۸
- تأسیس سازمان قضایی ارتش ملی اسلامی..... ۲۶۰
- ضرورت معرفی پرسنل مختلف..... ۲۶۲
- آیت الله طالقانی و ارتش..... ۲۶۴
- قرنی و مبارزه با رژیم صهیونیستی..... ۲۶۶
- آخرین مهلت برای افسران، درجه داران و سربازان..... ۲۶۸
- خسارت برای نظامی سیاسی و مذهبی..... ۲۶۹
- حکایت مردم از ارتش..... ۲۷۰

- ۲۷۱..... انحلال ارتش توطئه‌ای برای تجزیه کشور
- ۲۷۱..... عدالت نظامی گرایانه
- ۲۷۲..... وزیر دفاع و تخلیه پادگان‌ها
- ۲۷۴..... ضرورت بازگرداندن تجهیزات نظامی
- ۲۷۵..... حمایت امام خمینی^(ه) از ارتش و قری
- ۲۷۶..... مخالفت‌ها علیه قری
- ۲۸۶..... درخواست سازمان مجاهدین خلق برای انحلال ارتش
- ۲۸۷..... قدرت‌خواهان مخالف
- ۲۹۰..... هشدار مجدد مجاهدین خلق
- ۲۹۱..... اجتماع در دانشگاه صنعتی تهران
- ۲۹۲..... مخالفت آیت‌الله طالقانی با دیدگاه‌های مجاهدین خلق و فدائیان خلق
- ۲۹۴..... آغاز بحران در کردستان
- ۲۹۷..... تصرف پادگان مهاباد
- ۳۰۰..... عبدالرحمن قاسملو
- ۳۰۳..... بحرانی‌تر شدن اوضاع کردستان
- ۳۰۴..... اعطای خودمختاری وظیفه دولت است
- ۳۰۶..... سرکردگان تجزیه‌طلب
- ۳۰۹..... حزب دمکرات کردستان اعلام موجودیت و فعالیت علنی کرد
- ۳۱۰..... فعالیت گروهک‌ها
- ۳۱۷..... در جستجوی حقیقت
- ۳۱۸..... برخورد سرلشکر قری
- ۳۱۹..... حمایت امام خمینی^(ه) از ارتش و قری

اولین ترور

- اعلامیه سازمان فدائیان خلق درباره وقایع کردستان..... ۳۲۳
- اظهارات و پشیمانی آیت‌الله طالقانی درباره قرنی..... ۳۲۹
- اشتباه استراتژیک و تاریخی..... ۳۳۳
- دروغ استعفای قرنی..... ۳۳۴
- علت تغییر رئیس ستاد کل ارتش..... ۳۳۵
- گزارش بی‌بی‌سی از برکناری قرنی..... ۳۳۷
- چرا از ریاست ستاد ارتش کنار رفتم..... ۳۴۴
- برکناری قرنی و موج جدید تجزیه‌طلبی..... ۳۴۹
- ملاقات قرنی با امام خمینی (ره)..... ۳۵۳
- امام خمینی (ره) و قرنی..... ۳۵۳
- تأیید مواضع قرنی و نقد مواضع دولت موقت توسط امام خمینی (ره)..... ۳۶۳
- ای کاش قاسملو را دستگیر می‌کردم..... ۳۶۵
- ارزیابی علل ترور سرلشکر قرنی..... ۳۶۶
- چگونگی وقوع ترور شهید سرلشکر ولی‌الله قرنی..... ۳۶۷
- پنج روز قبل از حادثه..... ۳۶۸
- سیاست خارجی آمریکا و رویکردهای تروریستی در مبارزه با انقلاب اسلامی..... ۳۷۳
- اولین ترورها..... ۳۸۳
- تاریخچه و نحوه شکل‌گیری گروه فرقان..... ۳۸۷
- مواضع و دیدگاه‌های سیاسی گروه فرقان..... ۳۹۱
- دیدگاه‌های تاریخی گروه فرقان..... ۳۹۳
- عملیات گروه فرقان..... ۳۹۴

اولین ماہی ترور

- ۳۹۶..... طرح‌ها و ترورهای ناموفق فرقان
- ۳۹۷..... تفکر و دیدگاه‌های رهبر فرقان
- ۳۹۹..... واکنش استاد شهید مرتضی مطهری
- ۴۰۱..... افشای ارتباط سفارت آمریکا با گروه فرقان

www.ketab.ir

قرنی را باید از نو شناخت

سپهبد شهید ولی‌الله قرنی از جمله افرادی است که کمتر پیرامون وی سخن گفته شده است. شخصیت این نظامی با صلابت برخلاف شهادت وی هنوز هم در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. او که بخشی از عمر خود را در زندان‌های طاغوت گذرانیده، نظامی مظلومی است که حتی زندانیان سیاسی و زجر کشیدگان آن دوران که خود بار مشقت آن روزگار را تحمل کرده و او را در کنار خود دیده‌اند نیز، از او سخنی به میان نمی‌آورند. برخی ملاحظات مختلف در این امر دخیل می‌باشند. سؤالات و ابهاماتی در اذهان آنان وجود دارد که آنان را از اعلام موضع‌گیری صریح باز می‌دارد. از جمله می‌توان به موارد زیرین اشاره نمود:

قرنی افسری است اطلاعاتی که به شیوه‌ها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و چگونگی دستیابی رژیم بدان واقف بوده است. از سویی از چهره واقعی برخی شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی،

اولین مایه ترور

فرهنگی نیز آگاه بوده است. او ماهیت برخی از احزاب و گروه‌های مبارز را می‌شناخته و نسبت به همکاری برخی از چهره‌ها که در طول مبارزه مجبور به همکاری با رژیم پهلوی شده‌اند نیز واقف بوده است. چنین شخصیتی در زندان با سایر زندانیان کمتر تماس داشته و به طور طبیعی حسب آموزش‌های دیده شده در دانشگاه افسری سالم‌ترین شیوه برای لو نرفتن مقاصد و نیات را تماس کمتر با سایرین دیده است. از سویی دیگر تماس او با مبارزین واقعی و چهره‌های سالم و غیر وابسته نیز برای آنان ایجاد مشکل می‌نموده و این کار باعث شده تا آنان ترجیح دهند با وی کمتر تماس داشته باشند و یا شهید قری با رعایت مسائل حفاظتی و امنیتی از تماس با آنان خودداری می‌کرده است. عده‌ای از مبارزین نیز به او اعتماد نداشته و باور نمی‌نموده‌اند که شخصی با درجه و موقعیت وی به خاطر آرمان‌های خود به شرایط خود پشت‌پا زده و زندانی شده باشد. این عوامل باعث شده دیگران نیز با او کمتر تماس داشته و در زندان نیز غریب و تنها باشد. برخی در توجیه عدم تعامل با وی می‌گفتند مگر می‌شود یک شخصیت بلند پایه نظامی که صبغه اطلاعاتی نیز داشته دستگیر و زندانی شود؟

برخی او را باور نداشته و تصور می‌کردند رژیم شاهنشاهی او را به قصد نفوذ در میان صفوف انقلابیون روانه زندان کرده است.

اولین ماولین ترور

برخی از آنان می گفتند آیا او که خود از افسران اطلاعاتی رژیم بوده برای شناخت بهتر زندانیان تن به تحمل مشکلات زندان نداده است؟!

آیا امکان دارد افسری با آن جایگاه از همه مواهب و امکانات چشم پوشی نماید و زندان را بر آزادی ترجیح دهد؟!

در اینجا این سوال مطرح می شود که اگر رژیم می خواست از مبارزین اطلاعاتی به دست آورد فرد یا افراد مناسب تری برای آن کار وجود نداشتند؟!

بر فرض این که وی به عنوان مأمور به زندان اعزام شده باشد، برای دستیابی به اطلاعات شیوه دیگری وجود نداشته است؟!

هنوز باور این نکته برای برخی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشکل است که چگونه ممکن است که فردی چون او که در رژیم شاهنشاهی در دانشکده های نظامی تحصیل کرده و مدارج مختلف را یکی پس از دیگری طی نموده، به مسائل سیاسی آشنا بوده و قادر باشد در کنار مردم و سایر انقلابیون درد و رنج زندان را تحمل کند؟!

برخی شبهه ای را مطرح نموده و می گویند چگونه ممکن است ساواک با آن همه ید و بیضا او را شناسایی ننموده و اجازه فعالیت سیاسی، آن هم در آن سطوح را به وی داده باشد؟!

اولین مراسم ترور

در این میان برخی او را آمریکایی و برخی دیگر عامل انگلیسی‌ها می‌دانند. اگرچه او در متن استعفای خود به حضرت امام (ع) پاسخ خیلی از این طیف‌های مخالف خود را داده ولی اندیشمندان سیاسی، فرهنگی، نظامی و حتی امنیتی به دلایل گوناگون حاضر نشده‌اند از او دفاع کنند. هنوز نیز گرد و غبار غربت را از چهره این شهید حتی پس از این که با گلوله‌های بغض‌آلود گروه فرقان در خون خویش غلتیده است، نزدوده‌اند.

این نظامی با مصلحت، مظلومانه زندگی کرده و با تلاش و کوشش خود همانند سایر شخصیت‌های این مرز و بوم فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده است. نمی‌توان گفت این شخصیت نظامی، اطلاعاتی، گرایش‌های خاصی نداشته و یا همواره از آغاز کودکی تا شهادت همگام و همراه نهضت انقلابی به رهبری امام خمینی (ع) بوده است! عملکرد او نیز در طول سالیان زندگی، فراز و نشیب فراوانی داشته است. گاهی مردد بوده و زمانی نیز با تمام وجود از رژیم پهلوی دفاع کرده است. زمانی مصمم بوده و زمانی دیگر در چگونگی پیمایش مسیر دچار شک شده است. به طور قطع در برهه‌هایی از خدمت نمی‌دانسته چه باید بکند تا وضع موجود را به وضع مطلوب تبدیل کند. آیا این نکته را می‌توان از یاد برد که این افسر شجاع تفاوت اساسی با همدوره‌های دانشگاهی

اولین ویرسین ترور

خویش داشته است. آیا نمی‌توان این افسر با صلابت را همانند سایر افسران دانست و وی را در کنار آنان تصور کرد؟!

آیا قری از جنس افسرانی بود که برای رسیدن به جاه و مقام، ثروت و قدرت تن به هر کاری داده و مداح هر مفسدی شدند؟! آیا قری دغدغه سایر افسران را داشت و دیگ چرب و جای نرم و آب سرد را در رژیم پهلوی برگزید و مردم خود را فراموش کرد؟

آیا اگر شخصی چنین عملکردی را در آن دوران که تردید و دو دلی بر همه امور سایه افکنده بود در سوابق خود داشت امروز بر خود نمی‌بالید؟! او که در طول حیات خودش جذب هیچ گروه سیاسی نشده بود، با املامت نیز ارتباط داشت. در کاخ شاه فعالیت نموده و به مدارج عالی رسیده بود ولی درون چنان بستری حتی قدرت خرید یک پیکان را نداشت.

اگر روزی شخصیت‌هایی همانند این شهید بزرگوار با ویژگی‌های ایشان به جامعه معرفی شوند و گزارشی از زندگی آنان به جامعه ارائه گردد، چه دستاوردی را در پی خواهد داشت؟!

امروز او شهید شده و دستش از زمین و زمان کوتاه است. دیگر او نیازی ندارد که از وی تعریف و تمجید شود. آنچه ما را و می‌دارد تا زوایای پنهان این شخصیت بزرگوار را به جامعه معرفی نماییم نیاز جامعه و تاریخ ایران زمین به معرفی قهرمانان بی‌ادعایی

اولین درس ترور

چون او می‌باشد. نیاز به این نکته که معرفی چنین افرادی می‌تواند به عنوان الگوی جوانان مطرح گردیده و اسباب تأسی به امثال وی فراهم گردد. اگر بتوانیم این نکته را به نسل‌های آینده منتقل نماییم که تقلید به دین و حلال خواری می‌تواند عاقبت به خیری را در پی داشته و زندگی انسان را با زندگی اولیای خداوند پیوند دهد، کاری بس بزرگ را انجام داده‌ایم. کتمان ویژگی‌ها و برجستگی‌های روحی و روانی این سرباز فداکار، خسارت‌های جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. جامعه به ویژه جامعه نیروهای مسلح را از الگوها و قهرمان‌هایی چون او محروم خواهد کرد.

اگر از زندگی این مرد بزرگ که تا درجه سرلشکری در نظام طاغوت رشد کرده ولی تا پایان زندگی در فقر می‌سوخته و حتی قدرت خرید یک پیکان را نداشته، سریالی تهیه و به جامعه ارائه شود، تصویری صحیح از نیرووهایی که باید در هنگام نیاز فداکارانه از مردم، میهن و آرمان‌ها و فرهنگ این سرزمین دفاع نموده در اذهان عمومی ارائه خواهد شد.

تصمیم‌گیری درست و به موقع، اتخاذ شیوه‌ای مناسب و شجاعانه که گاهی منافع شخصی انسان را به خطر می‌اندازد و با چالش مواجه می‌سازد از هر انسانی ساخته نیست. صحت تصمیم

اولین ملاقات ترور

این افسر شرافتمند مبنی بر جدایی از طاغوت و پیوستن به مردم و آرمان‌های آنان، برای او هزینه‌های فراوانی داشت. او برای اینکه اثبات کند درست فکر کرده و صحیح انتخاب نموده، مشقت‌ها و محرومیت‌هایی را تحمل نموده است. انتخاب صحیح و به موقعی که می‌بایست مظلوم وار شش سال زندان را تحمل کند. او می‌دانسته که برای اثبات درستی راه خود بار منفی همراهی طاغوت را با خویش به همراه دارد. او می‌دانسته که انقلابیون و مبارزین، او را به سادگی نمی‌پذیرند. قری از پا نمی‌نشینند و می‌دانند که راه درست و هدف خدایی هزینه‌هایی در پی دارد که پرداخت آن از افرادی چون او ساخته است. واقعاً دل بریدن از جاه، مقام، موقعیت، ثروت و قدرت سخت است. برخی آب نمی‌یابند و گرنه شناگر خوبی هستند. اگر فرصت به دست آورند، دین خود را برای آباد کردن دنیای دیگران نیز از دست می‌دهند. در حالی که همین آدم‌ها وقتی چنان موقعیتی ندارند همواره دارندگان چنین فرصت‌هایی را به باد انتقاد می‌گیرند و خود را از چنان رفتاری مبری می‌دانند. این انسان‌ها را باید در آن موقعیت‌ها دید و ارزیابی کرد.

راستی اکنون تاریخ چه قضاوتی پیرامون هم‌قطاران وی دارد؟!

نگاه تاریخ نسبت به باتمان قلیچ‌ها و ازهارای‌ها چیست؟! وقتی

کسی عملکرد رجال نظامی دوران پهلوی را مطالعه می‌کند و دست‌بوسی بی‌چون و چرای آنان را می‌بیند، چه احساسی به انسان دست می‌دهد؟!

آیا وقتی انسان عملکرد آنان در تاریخ را مطالعه می‌کند، از خدا آرزو نمی‌کند که ای کاش این افسر با این همه شجاعت و توان علمی با مردم همراه بود و رژیم را همراهی نمی‌کرد؟!

اگر چنین است، چرا حال که چنین افسری پیدا شده پذیرش او به سادگی امکان ندارد؟! چرا باور افسری که که زندان را بر رفاه ترجیح داده مشکل شده است؟!

او برای اثبات حقانیت خود نه تنها زندان را تحمل کرده که جان خویش را در راه اعتلای اهداف ملت هدیه کرده است. راستی قرنی در چنان محیطی چه باید می‌کرده که دریغ کرده است؟!

اگر جوان ایرانی در ورقی از تاریخ بخواند که یک سرلشکر که در ارتش طاغوت زندگی نموده و بالاترین درجات نظامی و دوره‌های مورد نیاز را با موفقیت گذرانیده، عزت ایرانی و غیرت دینی به او اجازه نداده که برای گذراندن چند صبحی در دنیا تن به هر ظلمی داده یا برای رسیدن به رفاه ظالمی را تأیید کند بر خود نخواهد بالید و به نیروهای نظامی خود افتخار نخواهد کرد؟!

آیا چنین احساسی در او پدید نمی‌آید که می‌شود همچون آسیه زن فرعون، در کاخ فرعون زیست و مرید موسیای زمان خود بود! اگرچه همانند آسیه شهیده بغض طاغوت زمان دامن عفاف او را گرفته و پاهای او را به دو گروه اسب تندرو بسته و در دو جهت مخالف حرکت دهند. ارزش و احترام آسیه به انتخاب زنانه وی بوده که همبستری با ظالم را نپذیرفته و بستر گرم و کاخ زینت داده شده را رها کرده و حاضر شده جسد مبارک‌اش به دو نیم شود. به راستی این از هر مرد و زنی ساخته نیست. باید در آن شرایط قرار گرفت و میزان اعتقاد و باورهای خود را سنجید.

این نکته در زندگی او به زیبایی می‌درخشد که زمانی که گزارشی از وضع زندگی محقرانه او به شاه داده می‌شود، در نهایت مبلغ سه میلیون تومان به همراه سبند چمدین هکتار زمین در شمال از طریق سرلشکر فردوست به او پیشنهاد می‌گردد، اما او نمی‌پذیرد. پاسخ این سرباز متدین برای تاریخ ایران زمین و نیروهای مسلح این سرزمین افتخارآفرین است. در پاسخ سرلشکر فردوست می‌گوید «سال‌های آخر عمر خود را می‌گذارم به پول نیازی ندارم. مشغول نماز و روزه‌ام. نیازی به اموال ندارم»

راستی این سپهبد شهید چرا بحث نماز و روزه را دلیلی برای عدم پذیرش تحفه شاهانه عنوان می‌کند؟! آیا چنین پاسخی از

چنان مقام نظامی مرسوم بوده است؟! آیا همین نکته در سال

۱۳۴۲ نقطه درخشانی را در تاریخ زندگی او رقم نمی‌زند؟!

چه احساسی به جوان ایرانی دست می‌دهد وقتی چنین

پاسخی از یک سپهدار ارتشی آن هم در ارتش رژیم طاغوت را

تاریخ ببیند؟!

بر فرض محال که نکات مبهمی در زندگی چنین شخصیتی

باشد که در این شخصیت بی‌نظیر وجود ندارد، با داشتن اطلاعات

از ساده زیستی او نمی‌شود این باور را داشت که او در بستر

طاغوت و زندگی‌های مرفه آن روزگار با عزت نفس زیسته و

«قدرت و ثروت»، «رفاه و عزت غیر واقعی» نتوانسته شخصیت او را

لکه‌دار نمایند؟!

چرا شخصیتی مثل قرن‌های مظلوم‌وار با انقلاب هم‌سو شده

وقتی غریبانه زندانی می‌شود روی سر در زندان وی این جمله را

می‌نویسند؟! «بند زندانیان روانی»

چقدر سخت است که فردی در دربار فرعون رشد کند و

یوسف‌های زیبای قدرت، مال و ثروت، زن، شهوت و... دل او را

نربایند؟!

وقتی این نکته را می‌نوشتیم به یاد جریانی افتادم که گویا روح

مطهر خود شهید کمک می‌کند تا بخش‌هایی از چهره ناپیدای او

اولین ملائمت ترور

آشکار شود. در اولین نشست اولین مجلس خبرگان رهبری، آیت‌الله مشکینی از شهید آیت‌الله مدنی درخواست نمود که جمع را به فیض برساند. سخنان این مجتهد کوشا و صمیمی در جمع بزرگانی چون آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله دستغیب و... شنیدنی است. ایشان در جایگاه قرار گرفت و با خواندن آیه‌ای از سوره مبارکه یوسف (علی‌هینا و آله و علیه‌السلام) بدین نکته اشاره فرمود که وقتی زن‌های مصری زلیخا را شماتت کردند که چرا با برده خود قصد مراوده داشته و عاشق او شده است، زلیخا برای این که به آنان تفهیم کند که قدرت مقاومت آنان چقدر است، دستور می‌دهد مجلسی به پا دارند و یوسف^(ع) وارد شود. زنان مصری وقتی یوسف^(ع) را دیدند، شماتت خویش را از یاد بردند و محو جمال دلربای یوسف^(ع) شدند. تا جایی که انگشتان دستان خود را با چاقوهای تیزی که با تدبیر زلیخا در اختیار آنان گذاشته شده بود، بریدند. در آن روزگار مراوده و ارتباط با هم‌قطار وروده‌های بالاتر مورد شماتت قرار نمی‌گرفت و در جامعه پذیرفته شده بود. آنچه در جامعه مصر زلیخا را شماتت و سرزنش می‌کرد این بود که چرا وی شیفته غلام خویش شده است!

آنچه در این داستان قرآنی موجب عبرت است این است که زنان مصری که جمال زیبای یوسف^(ع) را فقط یک بار دیده و

اولین سالگرد

دستان خود را بردند، چگونه اکنون می‌توانند در صورت زلیخا نگاه کرده و دوباره وی را شماتت کنند. زلیخایی که یوسف^(ع) در کنار وی بزرگ شده و هر روز و هر ساعت ایشان را می‌بیند. آنان یادشان رفته بود که همین‌ها بودند که زلیخا را شماتت می‌کردند. زلیخا که دید همه دستان خود را بریده‌اند به آنان گفت: «آنکه مرا به خاطر او شماتت می‌کنید این است؟! دیدید شما هم تا یوسف را دیدید دستان خود را بریدید! شما یک بار او را دیدید، من همه روز با او مانوسم!» سپس آیت‌الله مدنی افزود: «آقایان یوسف‌ها فراوانند: یوسف پول، یوسف پست و مقام، یوسف بنز، یوسف احترامات، اکنون این یوسف‌ها خود را آراسته و به ما عرضه می‌کنند. مواظب باشیم آلوده نشویم! ما اینها را شماتت کرده‌ایم!» بعد فرمود: «آقایان نکند چند سال دیگر آقایانی که ما آنان را به خاطر برخی چیزها سرزنش می‌کردیم بیایند و بگویند ما دستان خود را بریده‌ایم و متوجه نشده‌ایم! نکند آن آقایان بیایند و بگویند دیدید چقدر ثروت شیرین است؟! چقدر مقام دلربا است؟! چقدر پست‌ها زیبا هستند؟! مراقب باشیم تا دستان خود را نبریم و در آینده مورد سرزنش قرار نگیریم!»

شایسته است، لحظه‌ای با خود خلوت کنیم و از خویش بپرسیم، اگر ما جای سرلشکر قرنی بودیم و رئیس دفتر بالاترین

مقام حکومتی می‌شدیم و چنان امکاناتی در اختیارمان قرار می‌گرفت، در بالاترین سطوح ارتش می‌نشستیم، توان گذشت از همه آنها را داشتیم؟! آیا پایان زندگی ما به شهادت ختم می‌شد؟!

به تعبیر زیبای امیر سرتیپ آراسته مشاور فرماندهی معظم کل قوا و رئیس هنیت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی «قرنی در گذشته مظلوم بود، زندان را مظلومانه سپری کرد و در زندان هم مظلوم و غریب بود. غریب، گمنام، بی‌ادعا و سبکبار با انقلاب همراه شد و جان خود را در راه اعتلای دین به دست شقی‌ترین مردان روزگار تقدیم انقلاب کرد.»

قرنی در حالی که مصادر قدرت و ثروت را می‌شناخت و زمینه دستیابی بدان نیز برایش فراهم بود، ساده زیستی و زندگی در محیط اشرافی‌گرایی او را نفریفت. راز عاقبت به خیری وی را باید در این جست که وی همواره مقید بود مردم را رها ننموده و به همین دلیل با آنان چون خود آنها زندگی کرد. برای مردم نفس کشید. در غربت و تنهایی تنها ۴۳ روز از حیات پربرکت خود را وقف نظام اسلامی کرد. خداوند تبارک و تعالی که اجر محسنین را ضایع نمی‌کند با گلوله یک فرد شقی مزد سال‌ها خدمت به مردم در گمنامی را تأیید و تکریم نمود. شهادت قرنی غبارهای غربتی را که بر روی جای جای زندگی او نشسته بود پاک کرد و از او چهره

اولین میلین ترور

شفافی به جامعه بشری و نیروهای مسلح ارائه داد. عملکرد این شهید سرفراز نام او را در صدر لیست ترور استکبار جهانی قرار داد. او که قبل از شهید مطهری طعم شهادت را چشید مایه افتخار و سبب عزت «لباس خاکی سربازی» گردید. شهادت این پیرمرد نظامی اثبات کرد که می‌توان در طاعوت زندگی کرد و همچون همسر مؤمن آن فرعون عاقبت به خیر شد و طعم شهادت را نوشید.

افسوس که در شرایط حاضر در حالی که سه دهه از انقلاب شکوهمند مردم ایران می‌گذرد، در حالی که خط و خطوط سیاسی نیز روشن شده و موضع‌گیری‌های احزاب و گروهک‌های سیاسی نیز به برکت هدایت داهیانه مقام معظم رهبری (حفظ الله تعالی) شفاف گردیده و در سایه برکت خون شهیدان این سرزمین رضوی، خط و خطوط مخالفان قرنی نیز آشکار گردیده و راستگی آنان به دنیای استکبار مشخص شده، هنوز نیز کمتر پیرامون زندگی وی سخن به میان می‌آید!

دیگر آنان که در کردستان علیه او اعلامیه می‌دادند و او را قاتل «خلق گرد» می‌دانستند، در میان امت اسلامی به عنوان منفورترین افراد جامعه شناخته شده و نام این شهید عزیز هر روز به عنوان قهرمانی ملی و مذهبی بر اذهان امت اسلامی می‌درخشد،

اولین ترور

چرا که دیگر معلوم شده او خدمتگزار مردم گرد بوده و به حق او را باید شهید راه مبارزه با تجزیه طلبی و ناجی کردستان نامید.

اگر این شهید بزرگوار مصلحت اندیشی می کرد و با دولت موقت از یک سو و با گروهک های ضد انقلاب از سویی دیگر ممانعت می نمود، یا لاقلاً این پیرمرد ۷۰ ساله به صورت شفاف موضع خود را در اطاعت از ولایت و خدمت به مردم بیان نمی کرد، هرگز دچار خشم آنان نمی شد.

راستی کدام گروهک ها در روزهای آغازین انتصاب وی علیه او اطلاعیه داده که در جراید کثیرالانتشاری چون روزنامه کیهان چاپ شد؟!

این گروهک ها چه مطالبی علیه او منتشر می کردند؟! جرم قرن ۷۰ ساله که سال ها از فعالیت اجرایی دور بود چه بوده است؟! آیا تاکنون که سه دهه از انقلاب می گذرد کسی توانسته سندی منتشر کند که حاکی از کج روی یا انحراف این شخصیت نظامی - اطلاعاتی بوده باشد؟!

چرا گروهک فرقان مسئول این ترور شده است؟! گروهکی که پس از شهادت او اعلام موجودیت نموده است؟! چرا سایر گروهک ها که از او اطلاعات بیشتری داشتند در این کار پیشگام نشدند؟!

اولین ترور

زندگی این شهید سرشار از سؤالات فراوانی از این نوع نیز می‌باشد که تاریخ باید به آنها پاسخ دهد. شایسته است اصحاب قلم و هنر در این مهم پیشگام شوند و نگذارند که گرد غربت بر چهره این شهید بنشیند.

گروهک فرقان قصد داشت هشت شخصیت اثر گذار را که در تصمیمات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و امنیتی مؤثر بودند، ترور کند این گروهک متعصب که بزرگ‌ترین خدمت را با ترورهای خود به استکبار جهانی نمود، در حقیقت می‌توان گفت برنامه‌های ترور را برای برداشتن موانع فراروی آمریکا طراحی نموده. شخصیت‌هایی را ترور کرد که هر کدام از آنها طلایه‌دار یک اندیشه و تفکر انقلابی بودند نوع نگاه شهید قرنی به مسائل نظامی و امنیتی حاکی از آن است که می‌تواند الگو و سرمشق تفکر نظامی شود. ورود او به عرصه انقلاب و پذیرش شغل ریاست ارتش در حالی که ارتش از هم پاشیده بود آن‌هم از مرد با تجربه‌ای چون او، نشان از اهتمام وی به اطاعت از دستورات امام امت دارد. این شهید بزرگوار در متن استعفا نامه خود نیز بدین مهم اشاره می‌کند که چرا با آگاهی کامل از وضع ارتش این سمت را پذیرفته است؟! پیرامون شخصیت‌هایی که توسط این گروهک ترور شده یا قرار بود ترور شوند، کم و بیش مطالبی منتشر شده یا مستندسازی

اولین اولین ترور

شده است. سؤال اساسی این است که چرا پیرامون این شهید بزرگوار که چندین سند منتشر شده از ساواک حاکی از «سلامت نفس»، «ساده زیستی»، «کنترل و مراقبت مکرر رژیم از او»، «سوابق مبارزاتی» غیرت و مردانگی او دارد، کمتر تبلیغ شده است؟! آیا تنها به دلیل این نظامی افسری اطلاعاتی است و کسی از وضعیت وی خبر ندارد، محققین از دفاع از وی خودداری می‌نمایند؟

جا دارد در آغاز این مطالب از حجت الاسلام و المسلمین غلامرضا صفایی نماینده محترم ولی فقیه و رئیس دفتر عمومی عقیدتی سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح تشکر شود. این روحانی صادق و کوشا طبق مشی همیشگی او که «معلمی وفادار» است، درس دیگری به نیروهای مسلح داد که ستودنی است! این روحانی پرسابقه در نیروهای مسلح که شناخت دقیق و صحیحی از آن نیز دارد یک تنه به میدان آمد و با ترغیب همکاران، فرماندهان ارتش را به دفاع از این بزرگمرد تشویق و ترغیب نمود.

این روحانی کم نظیر که بی‌ادعا همواره میدان‌دار اموری بوده که دیگران از ورود بدان طفره رفته‌اند، با برگزاری جلسات متوالی و ممتد، فرماندهان را به لزوم دفاع از این قهرمان نیروهای مسلح تشویق نموده و نام این شهید را زنده کرده و پس از حیات پربار

اولین مرگ بر سر

زندگی وی گرد غربت را از چهره وی زدوده است. او که سال‌ها نماینده ولی فقیه در ارتش بوده است با مشکلات فراوی نیروهای مسلح آشنایی کامل دارد. حاج آقا صفایی به خوبی می‌دانسته که کسی جرّ او جرأت ورود به این مباحث را ندارد. وی که از محبوبیت کافی در میان اصحاب رسانه برخوردار است و به عنوان مدیری عاقل و مدبر معروف است تیمی را مأمور این کار می‌کند. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران نیز در یک اقدام شجاعانه اسنادی از زندگی این شهید را در اختیار محقق معرفی شده توسط حاج آقا صفایی قرار می‌دهد که موجب دلگرمی محقق و تهییج او بدین کار می‌گردد. در حقیقت می‌توان گفت این مجموعه‌ها دست به دست هم داده و دوباره قرنی را بر انداخته‌اند. اسناد منتشر شده از سازمان امنیت پیرامون وی بخش عمده‌ای از ابهامات زندگی این افسر اطلاعات و اولین امیر شهید را زدود. این اسناد نشان داد که این شهید چه مراحل را گذرانیده و علت عاقبت به خیری او چه بوده است؟!

قرنی را باید از نو شناخت و از روح مطهر ایشان عذرخواهی کرد. قرنی را باید از نو شناخت زیرا شناخت ما از وی جفا می‌کند. باید او را از نو شناخت زیرا در باره او قصور کرده‌ایم. هم نگفته‌ایم و هم کم گفته‌ایم! شایسته است همه کسانی که

اولین میلین ترور

می‌توانستند غبار غربت را از چهره این شهید مظلوم بزدایند و قصور کرده‌اند، در رفتار خود تجدید نظر نموده و مصلحت اندیشی را کنار گذاشته و دانسته‌های خود را برای تاریخ بازگو کنند تا رسم مردانگی باقی مانده و مردان روزگار آنگونه که در شأن آنان است به جامعه معرفی شوند. برای پاسخگویی به ارواح طویه شهدا و پاسخگویی به مردم مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و روح مطهر این شهید ضروری است باز تعریفی از وی ارائه و روح مطهر وی را شاد نماییم.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد
سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش
سرتیپ دوم ستاد حسن سیفی